

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)  
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۶ / پاییز و زمستان ۱۴۰۰  
صص ۵-۱۸ (مقاله علمی - پژوهشی)

# امکان سنجی تخصیص عموماًت استحباب قنوت در فقه امامیه با رویکردی تطبیقی بر مذاهب فقهی اهل سنت

• سعید سبویی جهرمی

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)  
sabouei.saeed@ut.ac.ir

• محمدرسول آهانگران

استاد پردیس فارابی دانشگاه تهران

ahangaran@ut.ac.ir

• سید امیر حسین ارجمند

طلبه حوزه علمیه قم

amirhoseinarjmand27@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۴

## چکیده

یکی از اجزای نماز که در فقه امامیه و اهل سنت پیوسته مورد اختلاف بوده قنوت است. فقهای امامیه تا اوایل قرن یازدهم قمری، با تمسک به عموماًت روایات، بر استحباب قنوت در همه نمازها اتفاق نظر داشتند، اما از آن زمان به بعد، برخی با تمسک به روایت عبدالله بن سنان قائل به عدم استحباب قنوت در نماز شفع شدند. در مقابل، فقهای اهل سنت تنها در موارد خاصی قنوت را مشروع می‌دانند. نوشتار حاضر در صدد این است که برای نخستین بار با کنار گذاشتن تعصبات مذهبی و با استفاده از منابع معتبر به نقد و بررسی آراء مذاهب مختلف در این زمینه بپردازد. در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، مستندات مذاهب مختلف بررسی گردید و روشن شد که از نگاه فقه امامیه قنوت در همه نمازها از جمله نماز شفع مستحب است و روایت عبدالله بن سنان نمی‌تواند عموماًت استحباب قنوت را تخصیص بزند. در فقه اهل سنت نیز اثبات شد که قنوت در نماز صبح، نماز وتر و در هنگام نزول بلایا به طور مطلق استحباب دارد و محدود کردن این سه قنوت به برخی موارد دلیل معتبری ندارد.

کلیدواژه‌ها: قنوت، استحباب، شفع، وتر، نوازل، فقه مذاهب اسلامی.





## مقدمه

نماز از جمله عباداتی است که نه تنها در اسلام بلکه در شرایع الهی گذشته نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. نماز برترین وسیله برای تقرب به ساحت مقدس ربوبی و همانند چشمه‌ای زلال است که روزی پنج مرتبه روح نمازگزار در آن جلا می‌یابد. به دلیل اهمیت والای این عبادت لازم است پیش از ورود به دریچه اسرار باطنی آن در مرتبه اول احکام ظاهری آن را فرا گرفته و به آنها عمل نماییم.

یکی از اجزای نماز که می‌تواند نقطه اتصال عبد با پروردگارش باشد قنوت است. در فقه امامیه قنوت در همه نمازها مستحب شمرده شده است. تنها اختلافی که در این زمینه وجود این است که آیا نماز شفع نیز مانند دیگر نمازها قنوت دارد یا خیر؟ مهمترین مستندی که برای تخصیص نماز شفع از عموماً استحباب قنوت وجود دارد روایت عبدالله بن سنان است. هرچند در کتب فقهی تا حدودی به این مطلب پرداخته شده است، اما در این نوشته با نگاهی جدید به تحلیل این روایت خواهیم پرداخت و با استفاده از قرائن درونی و بیرونی روایت، مقدار دلالت آن را بررسی می‌کنیم.

در فقه اهل سنت بر خلاف فقه امامیه تنها در موارد خاصی قنوت مشروع است. به صورت کلی و بدون در نظر گرفتن تفصیلات در سه مورد اهل سنت قنوت را مشروع می‌دانند: یکی هنگام نزول بلایا، دوم در نماز وتر و سوم در نماز صبح. در مورد این سه جایگاه اختلافات زیادی بین فقهای چهارگانه اهل سنت وجود دارد که باید با توجه به منابع معتبر اهل سنت و قواعدی که نزد ایشان پذیرفته شده است به بررسی نظرات ایشان پرداخته و بررسی کنیم که تفصیلات ارائه شده تا چه اندازه صحیح است.

## مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به اصل بحث بایستی واژه‌ها و اصطلاحاتی را که نیاز به توضیح دارند شرح دهیم:

۱. قنوت: «قنوت» مصدر ثلاثی مجرد از فعل «قنت - یقنت» است و در لغت معانی مختلفی برای آن ذکر شده است و از جمله: طاعت، سکون، دعا، قیام در نماز و خودداری از تکلم. معنای اصطلاحی آن در علم فقه عبارت است از: «ذکری مخصوص در محل معینی از نماز»<sup>۱</sup>.

۲ و ۳. شفع و وتر: اختلافاتی که در فقه امامیه درباره استحباب قنوت پیدا شده، ناشی از روایاتی است که در آنها از نماز شفع و وتر سخن به میان آمده است؛ به همین دلیل لازم است که معنای این دو واژه به دقت بررسی شود. از لحاظ لغوی شفع به معنای زوج و وتر به معنای فرد است،<sup>۲</sup> اما در خصوص معنای اصطلاحی این الفاظ اختلافاتی در بین فقهای مذاهب اسلامی وجود دارد که به طور جداگانه به بررسی آنها می‌پردازیم.

در روایات واژه «شفع» در نماز دو رکعتی به کار رفته و در مورد آن اختلافی نیست، اما واژه «وتر» در منابع روایی به دو مفهوم به کار رفته است: در بسیاری از روایات که نجفی آنها را فراتر از حد تواتر می‌خواند<sup>۳</sup> به مجموع سه رکعت اطلاق شده<sup>۴</sup> و در برخی روایات نیز تنها به رکعت آخر اطلاق شده است<sup>۵</sup> که در مجموع این روایات، سه دیدگاه را نسبت به مفهوم «وتر»، در میان فقهای امامیه به وجود آورده است:

۱- مجموع سه رکعت.<sup>۶</sup>

۲- رکعت آخر.<sup>۷</sup>

۳- لفظ مشترک بین مجموع سه و یک رکعت.<sup>۸</sup>

در اصطلاح فقهای اهل سنت «وتر» به نماز نافله‌ای اطلاق می‌شود که در شب و به صورت فرادا خوانده

۱. مدارک الأحکام، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲. کتاب العین، ج ۱، ص ۲۶۰.

۳. جواهر الکلام، ج ۷، ص ۵۹.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۲، صص ۵ و ۶ و ۱۲۷.

۵. عیون أخبار الرضا، ج ۲، صص ۱۲۳ و ۱۸۱؛ الخصال، ج ۲، ص ۶۰۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۱۹.

۶. الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۴۱.

۷. تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۲۶۴.

۸. الحاشیة علی مدارک الأحکام، ج ۲، ص ۲۹۰.



محقق کرکی<sup>۱۹</sup> و شهید ثانی<sup>۲۰</sup> همگی به استحباب قنوت در تمام فرائض و نوافل فتوی داده‌اند. قائلین به این نظریه سه دلیل بر مدعای خود ذکر کرده‌اند:

۱. روایات: علاوه بر دلالت عمومی برخی روایات مبنی بر جواز قنوت در همه نمازها،<sup>۲۱</sup> رجاء بن ابی ضحاک مأمور مأمون عباسی که شاهد نافله شب امام رضا(ع) بوده نقل کرده که آن حضرت در رکعت دوم نماز شفع، قبل از رکوع و بعد از قرائت، قنوت به جا آورد.<sup>۲۲</sup>

برخی از فقها این روایت را به‌عنوان دلیل ذکر کرده‌اند<sup>۲۳</sup> و برخی نیز این آن را به دلیل ضعف سند، به دلیل وجود روایان غیر ثقه‌ای از جمله تمیم بن عبدالله، احمد بن علی انصاری و رجاء بن ابی ضحاک در سند آن، تنها مؤید می‌دانند.<sup>۲۴</sup>

۲. اجماع: چنان‌که بیان شد، تا زمان شیخ بهایی همه فقها اتفاق بر استحباب قنوت در همه نمازها داشته‌اند و مخالفی در این مسئله دیده نشده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که بر استحباب قنوت در نماز شفع اجماع وجود دارد.<sup>۲۵</sup>

۳. در مورد اتصال و انفصال نماز شفع و وتر دو مبنا وجود دارد. طبق یک مبنا نماز شفع و وتر باید منفصل به‌جا آورده شود و طبق مبنای دیگر اتصال آن دو جایز است. در صورتی که مبنای اول را بپذیریم، ثبوت قنوت در رکعت دوم نیازی به بیان جدید ندارد؛ چون طبق عموماً اخبار، همه نمازهای دو رکعتی دارای قنوت هستند که شامل قنوت نماز شفع نیز خواهد شد. در صورت پذیرش مبنای دوم، اگر نماز به‌صورت متصل ادا شود، ثبوت قنوت در رکعت دوم

می‌شود<sup>۹</sup> و در مورد تعداد رکعات آن اختلاف نظر وجود دارد. طبق دیدگاه مذهب حنفی حداقل وتر سه رکعت است و در صورت کمتر یا بیشتر شدن، وتر محسوب نمی‌شود.<sup>۱۰</sup> از نظر فقه مالکی وتر یک رکعت است، ولی مشروط است به اینکه قبل آن دو رکعت شفع ادا شود.<sup>۱۱</sup> مذاهب شافعی و حنبلی نیز حداقل وتر را یک رکعت و حداکثر آن را یازده رکعت می‌دانند.<sup>۱۲</sup>

۴. نوازل: یکی از قنوت‌هایی که نزد اهل سنت مشروع است قنوت به هنگام بلایا است که آن را قنوت نوازل یا حاجت می‌نامند. نوازل جمع «نازلة» است و به سختیها و بلاهایی اطلاق می‌شود که بر انسان نازل می‌شود؛<sup>۱۳</sup> از جمله این بلاها می‌توان به جنگ، زلزله، سیل و خشکسالی اشاره کرد.

#### دیدگاه امامیه

در میان فقهای امامیه، در مورد این که آیا همه نمازهای واجب و مستحب قنوت دارند یا اینکه نماز شفع از این قاعده مستثنا شده است، سه نظریه وجود دارد.

#### ۱) نظریه اول: استحباب قنوت در همه نمازها

تا قبل از شیخ بهایی، فقهای امامیه، در همه نمازهای فریضه و نافله قنوت را مستحب می‌دانستند و استثنائی برای این قاعده کلی قائل نبودند. طوسی در کتاب خلاف تصریح می‌کند که قنوت در رکعت دوم تمامی نمازهای واجب و مستحب، استحباب دارد.<sup>۱۴</sup> ابن‌ادریس حلی،<sup>۱۵</sup> محقق حلی،<sup>۱۶</sup> حلی،<sup>۱۷</sup> شهید اول،<sup>۱۸</sup>

۹. فتح‌القدیر، ج ۱، ص ۴۲۵.

۱۰. همان، ص ۴۲۶.

۱۱. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۱۲؛ التفریح، ج ۱، ص ۱۲۷.

۱۲. الأم، ج ۷، صص ۲۱۵-۲۱۴؛ الإنصاف، ج ۴، صص ۱۱۱-۱۱۲.

۱۳. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۵۹.

۱۴. الخلاف، ج ۱، ص ۳۷۹.

۱۵. السرائر، ج ۱، ص ۲۲۹.

۱۶. المعتبر فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۲۳۸.

۱۷. منتهی‌المطلب، ج ۵، ص ۲۱۵.

۱۸. ذکری‌الشیعة، ج ۳، ص ۲۸۱.

۱۹. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲۰. روض الجنان، ج ۲، ص ۷۴۸.

۲۱. الکافی، ج ۳، صص ۳۴۰-۳۳۹.

۲۲. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۰.

۲۳. مفتاح‌الکرامت، ج ۷، ص ۵۷۸.

۲۴. مدارک العروة، ج ۱، ص ۶۶.

۲۵. منیة‌الراغب، ص ۲۵۰.



نیاز به بیان دارد؛ چون از طرفی می‌دانیم در روایات برای رکعت سوم قنوت ثابت شده است و از طرفی دیگر در شریعت، وجود دو قنوت در دو رکعت متصل امری نامتعارف است. از آنجا که قائل به این استدلال فصل بین نماز شفع و وتر را واجب می‌داند، نتیجه این می‌شود که ثبوت قنوت در نماز شفع نیاز به بیان جدیدی ندارد.<sup>۲۶</sup>

## ۲) نظریه دوم: عدم استحباب قنوت نماز شفع

طبق این نظریه همه نمازها به جز نماز شفع دارای قنوت هستند. اولین شخصی که صریحاً این نظریه از او نقل شده، شیخ بهایی در حاشیه مفتاح‌الفلاح است.<sup>۲۷</sup> البته از کتاب مدارک‌الأحكام نیز این دیدگاه، برداشت می‌شود، ولی صراحت ندارد.<sup>۲۸</sup> بعد از شیخ بهایی، برخی از شاگردان ایشان از جمله سبزواری<sup>۲۹</sup> و نیز میرسید احمد علوی عاملی<sup>۳۰</sup> همین قول را اختیار کرده‌اند. پس از ایشان بحرانی نیز به همین نظر فتوا داده است.<sup>۳۱</sup> قائلین به عدم استحباب قنوت نماز شفع، به دو دلیل استناد کرده‌اند:

۱. روایت عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) است که فرمودند: «الْقُنُوتُ فِي الْمَغْرِبِ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ وَ فِي الْعِشَاءِ وَالْغَدَاةِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ فِي الْوُتْرِ فِي الرَّكْعَةِ الثَّالِثَةِ».<sup>۳۲</sup>

برای اثبات عدم استحباب قنوت نماز شفع دو تحلیل می‌توان ارائه کرد:

الف) روایت مذکور، مخصص روایاتی است که مثبت قنوت در همه نمازها هستند؛ چون در مقام بیان جایگاه قنوت در نمازهای مختلف است و نسبت به نماز وتر رکعت سوم را جایگاه قنوت معرفی می‌کند و از طرفی طبق مفاد این روایت قنوت نماز مغرب،

عشاء و صبح در رکعت دوم است؛ در نتیجه با توجه به قرینه مقابله قنوت در رکعات دیگر را نفی می‌کند و ظهور در عدم استحباب قنوت در رکعت دوم شفع دارد.

ب) کلمه «القنوت» در این روایت از جهت ادبی مبتدا و «فی المغرب» قید آن محسوب می‌شود. خبر آن نیز «فی الركعة الثانية» است. هم‌چنین «فی الوتر» عطف بر قید مبتدا و «فی الثالثة» عطف بر خبر است. چنان‌که در علم بلاغت آمده، اگر مبتدا معرف به ال جنس باشد، دلالت بر حصر خبر در مبتدا دارد؛<sup>۳۳</sup> در نتیجه این روایت چنین معنا می‌شود: قنوت نماز مغرب تنها در رکعت دوم است، هم‌چنین قنوت نماز عشاء و صبح تنها در رکعت دوم است و قنوت نماز وتر تنها در رکعت سوم است. با این بیان ثابت می‌شود که در رکعت دوم قنوتی وجود ندارد. با توجه به جمعی که بین روایات عام و روایت عبدالله بن سنان صورت گرفت، دیگر نوبت به حمل آن بر تقیه نمی‌رسد؛ چون بنا بر قول مشهور حمل بر تقیه از مرجحات جهتی و فرع بر استقرار تعارض است.

۲. در روایات نسبت به قنوت نماز وتر سفارشهای زیادی بیان شده و کیفیت ادای آن، به تفصیل بیان گردیده است، اما هیچ روایتی نداریم که نسبت به قنوت رکعت دوم اشاره‌ای کرده باشد. اگر رکعت دوم نیز دارای قنوت بود، حتماً در روایتی به آن اشاره می‌شد؛ بنابراین از عدم اشاره به قنوت در رکعت دوم، نتیجه می‌گیریم که رکعت دوم قنوت ندارد.<sup>۳۴</sup>

## ۳) نظریه سوم: تفصیل بین حالت اتصال و انفصال

اگر نماز شفع و وتر به صورت پیوسته ادا شود، فقط در رکعت سوم قنوت استحباب دارد، اما اگر این دو نماز به صورت منفصل اقامه شود، هم در رکعت دوم نماز شفع قنوت مشروعیت دارد هم در نماز وتر. این نظریه مبتنی بر این است که اتصال بین نماز شفع و نماز وتر جایز باشد. برخی از متأخرین، از جمله حکیم، این

۳۳. المطول، ص ۳۴۷.

۳۴. الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۴۲.

۲۶. بهجة الفقیه، ص ۱۵.

۲۷. الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۳۱.

۲۸. مدارک الأحكام، ج ۳، صص ۱۸ و ۴۲۲.

۲۹. ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳۰. مناهج الأخیار، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳۱. الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۳۹.

۳۲. تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۸۹؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۳۳۸.

نظریه را برگزیده‌اند.<sup>۳۵</sup>

مستند این نظریه این است که اگر نماز شفع جداگانه ادا شود مشمول عموماً می‌شود که استحباب قنوت همه نمازها را ثابت می‌کند. اما اگر نماز شفع به نماز وتر متصل شود، در این صورت فقط در رکعت سوم قنوت مشروع خواهد بود؛ چون معهود نیست که در یک نماز در دو رکعت متوالی قنوت وجود داشته باشد. قائلین به این نظریه روایت عبدالله بن سنان را حمل بر همین صورت می‌کنند؛ یعنی اگر هر سه رکعت به صورت پیوسته و با یک سلام انجام شود، در این صورت قنوت تنها در رکعت سوم قرائت می‌شود.<sup>۳۶</sup>

### بررسی و نقد ادله

پس از بیان ادله اقوال سه‌گانه، اکنون به بررسی و نقد هر یک از دلایل می‌پردازیم.

#### (۱) بررسی ادله قائلین به استحباب

قائلین به استحباب سه دلیل را برای اثبات مدعای خود مطرح کرده بودند. دلیل اول روایات عام و خاص بود. دلالت روایات عام بر استحباب قنوت در همه نمازهای فریضه و نافله کاملاً واضح و مبین است؛ به‌گونه‌ای که حتی مخالفین این نظریه هم در دلالت این اخبار خدشه‌ای نکرده‌اند، اما سؤال مهم این است که آیا مخصصی برای این عموماً وجود دارد یا خیر؟ قائلین به عدم استحباب روایت عبدالله بن سنان را به‌عنوان مخصص عموماً معرفی کرده‌اند، اما قائلین به استحباب این مطلب را قبول ندارند. در بخش بعد به بررسی روایت عبدالله بن سنان می‌پردازیم و اثبات خواهیم کرد که این روایت نمی‌تواند مخصص باشد. در مورد روایت رجاء بن اَبی ضحاک نیز چنان‌که گفته شد سند آن ضعیف است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

اما در خصوص دلیل دوم یعنی اجماع این اشکال وجود دارد که با توجه به روایات متعددی که در

باب استحباب قنوت وجود دارد، اجماع بر استحباب قنوت نماز شفع مدرکی خواهد بود و مشهور فقها چنین اجماعی را معتبر نمی‌دانند.

اما تحلیلی که به‌عنوان دلیل سوم مطرح شد به نظر می‌رسد تام و غیر قابل خدشه است. از آنجا که در فقه امامیه قنوت در رکعت دوم در نمازها امری شایع است و در روایات زیادی به آن تصریح شده است، همین که ثابت شود نماز شفع باید جدا از نماز وتر ادا شود، برای ثبوت قنوت در نماز شفع کفایت می‌کند و اینکه در روایت عبدالله بن سنان به ثبوت قنوت در رکعت سوم اشاره می‌کند، نافی ثبوت آن در رکعت دوم نیست؛ بلکه به دلیل معهود نبودن قنوت در رکعت سوم یا به جهت تقیه و یا تأکید بر فضیلت آن است.

#### (۲) بررسی و نقد ادله قول به عدم استحباب

کسانی که استحباب قنوت نماز شفع را نپذیرفته‌اند دو دلیل را برای اثبات قول خود ذکر کرده‌اند که اکنون به بررسی این دو دلیل می‌پردازیم.

الف) بررسی دلیل اول (روایت عبدالله بن سنان) مهمترین دلیل قائلین به عدم استحباب قنوت، روایت عبدالله بن سنان است. آنها معتقدند که این روایت، روایاتی را که مثبت قنوت در همه نمازها است، تخصیص یا تقیید می‌زند و برای اثبات مدعای خود به دو بیان متوسل شده‌اند که ذکر آن گذشت. قبل از بررسی دلالت این روایت ابتدا لازم است که به اعتبارسنجی سند آن پرداخته شود.

سند روایت فوق به دو صورت نقل شده است: در کتاب تهذیب چنین آمده: «عَنْهُ [الحسين بن سعيد] عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع).»<sup>۳۷</sup> در کتاب استبصار نیز این‌گونه نقل شده: «عَنْهُ [الحسين بن سعيد] عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع).»<sup>۳۸</sup> رجال این دو سند همگی امامی و ثقة هستند، اما اشکالاتی به آن وارد شده که باید پاسخ داده شود، از جمله: اشکال اول: نجاشی از

۳۷. تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۸۹.

۳۸. الاستبصار، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳۵. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳۶. همان‌جا.





حسین بن یزید سורائی نقل کرده که حسین بن سعید، فضالة را ملاقات نکرده و تمام روایات حسین بن سعید از فضالة به نقل از برادر حسین بن سعید یعنی حسن بن سعید است.<sup>۳۹</sup> اشکال دوم: در سند استبصار فضالة از ابن مسکان روایت کرده، در حالی که نقل فضاله از او ثابت نیست.<sup>۴۰</sup> اشکال سوم: به گفته نجاشی روایت بدون واسطه ابن مسکان از امام صادق(ع) ثابت نشده است.<sup>۴۱</sup>

با این وجود همه این اشکالات قابل خدشه هستند. اشکال اول از چند جهت قابل مناقشه است: اولاً: درست است که نجاشی از حسین بن یزید سورائی مطلب مذکور را حکایت کرده، اما خود نجاشی آن را قبول ندارد؛ چون سند خود به کتب فضالة را از طریق حسین بن سعید نقل می‌کند.<sup>۴۲</sup> ثانیاً: حسین بن سعید حدود ۹۷۵ روایت از فضاله نقل کرده است و نمی‌توان ملتزم شد در سند همه این روایات سقط رخ داده است.<sup>۴۳</sup> اشکال دوم نیز وارد نیست؛ چون فضاله بیش از ده روایت را از ابن مسکان نقل کرده است.<sup>۴۴</sup> در پاسخ به اشکال سوم نیز می‌توان گفت: در کتب اربعه عبدالله بن مسکان بیش از سیصد روایت از امام صادق(ع) نقل کرده است و نمی‌توان در همه این روایات قائل به سقط شد؛ به‌ویژه اینکه در برخی از این روایات ابن مسکان تصریح می‌کند که این سؤال را از امام صادق(ع) پرسیدم<sup>۴۵</sup> یا این مطلب را از امام صادق(ع) شنیدم.<sup>۴۶</sup> با وجود چنین عباراتی نمی‌توان قائل به ارسال سند شد و نقل بدون واسطه ابن مسکان از امام صادق(ع) ثابت می‌شود.<sup>۴۷</sup>

با پاسخ به این اشکالات مشخص شد که سند این حدیث صحیح است. اما از جهت دلالتی با دقت در روایات باب قنوت می‌توان دریافت که روایت عبدالله بن سنان همانند بسیاری از روایات باب قنوت در مقام بیان و شمارش نمازهایی است که قنوت در آن مشروع است نه بیان مواضع قنوت در نمازها. بر این مطلب چند شاهد وجود دارد:

۱. بسیاری از روایات باب قنوت در مقام بیان نمازهایی هستند که قنوت در آن تشریح شده؛ مانند روایات زیر: روایت اول (موتقه محمد بن مسلم): «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ (ع): الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ فِي الْفَرِيضَةِ وَ التَّطَوُّعِ»؛ «محمد بن مسلم نقل کرده که امام(ع) فرمودند: قنوت در هر نمازی، چه واجب چه مستحب، مشروع است.»<sup>۴۸</sup> سند این روایت به دلیل واقفی بودن زیاد بن مروان قندی،<sup>۴۹</sup> موثقه است.

روایت دوم (صحیحه محمد بن مسلم): «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: الْقُنُوتُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي التَّطَوُّعِ وَ الْفَرِيضَةِ»؛ «محمد بن مسلم از امام باقر(ع) نقل کرده: قنوت در رکعت دوم از هر نماز مستحب و واجب مشروعیت دارد.»<sup>۵۰</sup> طریق ابن بابویه به محمد بن مسلم صحیح است و با وثاقت و جلالتی که خود محمد بن مسلم دارد سند این روایت در مجموع صحیح خواهد بود.

روایت سوم (صحیحه وهب): «عَنْ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْقُنُوتُ فِي الْجُمُعَةِ وَ الْعِشَاءِ وَ الْعَتَمَةِ وَ الْوَتْرِ وَ الْغَدَاةِ»؛ «وهب از امام صادق(ع) نقل کرده: قنوت در نمازهای جمعه، عشاء، صبح و وتر مشروع است.»<sup>۵۱</sup> راویان این روایت نیز همگی امامی و ثقه هستند.

در این روایات به ترتیب «فی کل صلاة»، «فی کل رکعتین» و «فی الجمعة» بدون تردید خبر هستند و با

۴۸. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۰.

۴۹. رجال النجاشی، ص ۳۶۵.

۵۰. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۶.

۵۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۹۰.

۳۹. رجال النجاشی، ص ۵۸.

۴۰. مفتاح الکرامه، ج ۵، ص ۳۲.

۴۱. رجال النجاشی، ص ۲۱۴؛ مفتاح الکرامه، ج ۷، ص ۵۸۱.

۴۲. رجال النجاشی، ص ۳۱۱.

۴۳. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۳۳۸.

۴۴. الکافی، ج ۷، ص ۴۴۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۶۵؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۲۰۶.

۴۵. الکافی، ج ۶، ص ۲۴۶.

۴۶. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۷۹.

۴۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، صص ۳۵۱-۳۵۰.



هیچ یک از مذاهب چهارگانه اهل سنت - چنان‌که خواهد آمد - قنوت در همه نمازهای جهری مستحب نیست، بلکه طبق نظر برخی فقط در نماز صبح مستحب است، پس چه‌طور می‌توان آن را حمل بر تقیه کرد؟

در پاسخ به این اشکال باید این مطلب را یادآور شد که در زمان امام صادق (ع) که این روایت صادر شده، فقهای زیادی در میان اهل سنت در بلاد مختلف وجود داشته‌اند که بالطبع دارای فتاوی متفاوتی نیز بوده‌اند و به رسمیت شناختن چهار مذهب خاص، سالها پس از این دوره اتفاق افتاده است؛<sup>۵۴</sup> بنابراین وجود چنین فتوایی در آن زمان بعدی ندارد، بلکه با توجه به روایتی از ابوبصیر می‌توان وجود چنین فتوایی را در آن زمان ثابت کرد؛ چون امام (ع) در این روایت تصریح می‌کنند که قول به استحباب قنوت در نمازهای جهری از روی تقیه صادر شده است:

در روایت موثقی از ابوبصیر نقل شده: از امام صادق (ع) در مورد قنوت پرسیدم؛ ایشان فرمودند: «قنوت در نمازهای جهری است.» ابوبصیر به امام (ع) عرض می‌کند که من این سؤال را از پدر شما پرسیدم و ایشان جواب دادند: «قنوت در همه نمازهای پنج‌گانه است.» امام (ع) پاسخ دادند: «خداوند پدرم را رحمت کند. اصحاب از او سؤال کردند و او جواب واقعی را به ایشان می‌فرمود، اما وقتی از من سؤال می‌کنند (در امامت من) شک دارند؛ به همین خاطر من جواب تقیه‌ای به ایشان می‌دهم.»<sup>۵۵</sup>

در این روایت امام (ع) تصریح می‌کنند گرچه قول حق این است که قنوت در همه نمازهای یومیه مشروع است، اما من به جهت تقیه در پاسخ به سؤال برخی افراد، مشروعیت قنوت را به نمازهای جهری منحصر می‌کنم؛ بنابراین چنین قولی در آن زمان میان اهل سنت شایع بوده است و حمل روایت عبدالله بن سنان بر تقیه اشکالی ندارد.

توجه به اتحاد سیاق این روایات با روایت عبدالله بن سنان، می‌توان عبارت «فی المغرب» در روایت عبدالله بن سنان را نیز حمل بر خبریت کرد. از طرفی وقتی مبتدا معرف به آل جنس باشد، دلالت بر انحصار مبتدا در خبر می‌کند. نتیجه این می‌شود که قنوت فقط در نماز مغرب و عشاء و صبح تشریح شده که این مطلب مطابق با برخی از فتاوی عامه است؛ بنابراین روایت عبدالله بن سنان حمل بر تقیه می‌شود.

۲. روایت عبدالله بن سنان هم سیاق است با روایات دیگری که قنوت را منحصر در نمازهای جهری می‌داند؛ مانند روایت ابوبصیر که در ادامه بیان خواهد شد و هم‌چنین موثقه سماعة: «عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُنُوتِ فِي أَيِّ صَلَاةٍ هُوَ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يُجْهَرُ فِيهِ بِالْقِرَاءَةِ فِيهِ قُنُوتٌ»؛ «سماعة از امام (ع) روایت کرده: هر نمازی که قرائت آن جهری است، قنوت دارد.»<sup>۵۲</sup> چنان‌که در این روایت امام (ع) در مقام بیان این است که قنوت فقط در نمازهای جهری مشروع است، روایت عبدالله بن سنان نیز که هم‌سیاق با این روایت است، در مقام بیان همین مطلب است.

۳. اگر امام (ع) در مقام بیان موضع ادای قنوت بود، یعنی در مقام بیان این بود که قنوت در چه رکعتی است، می‌توانست با عبارتی مختصرتر این مطلب را بیان کند، مثلاً می‌فرمود: «القنوت فی الركعتین و فی صلاة الوتر فی الثالثة»؛ «قنوت در رکعت دوم است، اما در نماز وتر در رکعت سوم»، اما از آنجا که امام در مقام شمارش نمازهایی بوده که قنوت در آنها مشروع است، عبارت را به این صورت بیان نکردند.<sup>۵۳</sup> با توجه با این شواهد باید روایت عبدالله بن سنان را حمل بر تقیه کرد، چون طبق نظر برخی از فقهای اهل سنت، قنوت تنها در نمازهای جهری مشروع بوده است و این روایت نیز طبق آن فتوا، صادر شده است.

اینجا ممکن است این اشکال مطرح شود که طبق نظر

۵۴. المواعظ و الاعتبار، ج ۳، ص ۳۹۰.

۵۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۳۹.

۵۲. همان، ج ۲، ص ۸۹.

۵۳. التنقیح فی شرح العروة، ج ۱، ص ۹۷.



علاوه بر این حتی اگر بپذیریم که روایت عبدالله بن سنان قابلیت تخصیص یا تقييد روايات عام را دارد، اما اعراض اصحاب از آن موجب وهن آن می‌شود. همان‌طور که گفته شد تا قبل از زمان شیخ بهایی همه علما بر استحباب قنوت در همه نمازها اتفاق نظر داشتند و هیچ‌کس نماز شفع را استثناء نکرده بود، در حالی که این روایت هم در کتاب تهذیب و هم استبصار ذکر شده و در معرض نظر علما بوده است، ولی هیچ‌کس به آن عمل نکرده است؛ لذا این روایت از اعتبار ساقط می‌شود. هرچند بحث از موهن بودن اعراض مشهور مجالی دیگر می‌طلبید و در پژوهشی جداگانه آن را اثبات کرده‌ایم<sup>۵۶</sup>، اما به دلیل نقش مهم آن در مباحث این مقاله به‌طور خلاصه دلیل آن را بیان می‌کنیم.

با توجه به اینکه مبنای حجیت ظهورات سیره عقلا است و دلیل لفظی برای اثبات حجیت بودن ظاهر وجود ندارد، انعقاد این سیره در فرضی که ظن ناشی از شهرت و یا هر امر دیگر بر خلاف ظاهر باشد، یا قطعی الانتفاء است و یا دست‌کم مشکوک است و با شک در شمول سیره نسبت به چنین ظهوری، به دلیل اینکه سیره عقلا از ادله لیبی است و لسانی برایش تصور نمی‌شود تا اطلاق در مورد آن ممکن باشد، مقتضای قاعده، اخذ به قدر متقین است و موارد مشکوک قابل استناد نیستند. روشن است که در فرض شک، اگر دلیل لفظی مطلق وجود داشته باشد مرجع، اطلاق دلیل مطلق خواهد بود ولی اگر دلیل مزبور لیبی باشد، با وجود شک، دلیلی برای حجیت این ظاهر وجود نخواهد داشت و از آنجا که دلیل حجیت قاصر از اثبات حجیت این نوع ظهورات است موضوع عدم حجیت محقق می‌گردد؛ زیرا شک در حجیت مساوی با عدم حجیت است؛ بنابراین با این بیان اثبات می‌شود که اعراض مشهور از ظاهر خبر، موهن آن خواهد بود.

ب) بررسی دلیل دوم (عدم ذکر قنوت شفع و خصوصیات آن در روایات)

۵۶. «اعراض مشهور از خبر صحیح»، صص ۱۹۸-۱۸۳.

این استدلال تمام نیست؛ چون عدم ذکر قنوت شفع بالخصوص، دلیل بر عدم استحباب آن نیست؛ بلکه به این خاطر است که قنوت نماز شفع مانند سایر قنوتها بوده و خصوصیتی نداشته که به‌طور جداگانه ذکر شود و ذکر عمومات برای اثبات استحباب آن کفایت می‌کند، در حالی که قنوت وتر به دلیل اذکار و ادعیه خاصی که برای آن وارد شده، نیازمند به ذکر جداگانه و تأکید بوده است.

### ۳) بررسی قول به تفصیل بین اتصال و انفصال

قول به تفصیل مبتنی بر جواز اتصال نماز شفع به نماز وتر است؛ به همین خاطر باید روشن شود که آیا می‌توان نماز شفع را به نماز وتر متصل کرد یا خیر؟ در این بخش به بررسی این مطلب خواهیم پرداخت. در مورد جواز فصل نماز شفع از نماز وتر اختلاف نظری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر همه فقها سلام دادن در رکعت دوم نماز شفع را جایز می‌دانند. اختلاف نظر از این جهت است که آیا فصل واجب است یا اینکه وصل نیز جایز است؟ در این خصوص دو نظریه وجود دارد؛ مشهور فقها قائل به لزوم فصل هستند<sup>۵۷</sup> و برخی نیز قائل به جواز وصل هستند<sup>۵۸</sup>. منشأ پیدایش این دو قول روایات مختلفی است که در این زمینه وجود دارد. به‌طور کلی روایات این باب را می‌توان به سه طایفه تقسیم کرد.

طایفه اول روایاتی هستند که دلالت بر لزوم فصل می‌کنند. چند روایت با این مضمون وجود دارد.<sup>۵۹</sup> طایفه دوم روایاتی هستند که دلالت بر لزوم وصل دارند. در این طایفه تنها یک روایت وجود دارد که کردویه همدانی از امام کاظم (ع) روایت کرده است.<sup>۶۰</sup> سومین طایفه از روایات دلالت بر تخییر بین فصل

۵۷. الخلاف، ج ۱، ص ۵۲۵؛ المعترف فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۱۴؛

منتهی المطلب، ج ۴، ص ۱۹.

۵۸. مدارک الأحکام، ج ۳، ص ۱۸؛ ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۱۸۵؛

الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۴۳.

۵۹. تهذیب الأحکام، ج ۲، صص ۱۲۸-۱۲۷.

۶۰. همان، ج ۲، ص ۱۲۹.





در نماز صبح آن را جایز می‌دانند.<sup>۶۵</sup> حنابله قنوت نوازل را تنها در نماز صبح صحیح می‌دانند و در قول دیگری در تمامی نمازهای واجب به جز نماز جمعه آن را مشروع می‌دانند<sup>۶۶</sup> و اما شافعی معتقد است قنوت نوازل در تمامی نمازها وارد شده است.<sup>۶۷</sup>

طرفداران هر یک از اقوال مذکور برای اثبات مدعای خود به دلایلی استناد کرده‌اند. کسانی که قائل به مشروعیت قنوت نوازل در تمامی نمازها هستند به روایاتی از جمله روایات زیر متمسک شده‌اند:

۱. ابن عباس از رسول خدا(ص) نقل کرده که ایشان یک ماه به‌طور کامل در تمام نمازهای واجب یومیه بر برخی از قبائل دشمنان اسلام نفرین می‌کردند و نمازگزاران نیز آمین می‌گفتند.<sup>۶۸</sup> در این روایت به‌صراحت بیان شده که قنوت نوازل در همه نمازها مشروع است.

۲. انس از رسول خدا(ص) نقل می‌کند که ایشان یک ماه در قنوت بر دو قبیله رعل و ذکوان نفرین می‌کردند.<sup>۶۹</sup>

۳. از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل شده است که به دلیل کشته‌شدن قاریان یک ماه قنوت می‌خواندند.<sup>۷۰</sup> دو روایت اخیر با اطلاقشان دلالت دارند که در همه نمازها قنوت نوازل صحیح است.

اما کسانی که قائلند که قنوت نوازل فقط در برخی نمازها وارد شده است به اخبار زیر استناد کرده‌اند:

۱. از زهری نقل شده که پیامبر اکرم(ص) پس از رکوع در رکعت دوم از نماز صبح بر طایفه‌ای از بنی سلیم نفرین می‌کردند.<sup>۷۱</sup>

۲. انس در حدیثی نقل می‌کند که پس از کشتار قاریان توسط دو طایفه از بنی سلیم، پیامبر گرامی(ص) به

۶۵. رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۱۱.

۶۶. الإنصاف، ج ۴، ص ۱۳۸.

۶۷. المجموع، ج ۳، ص ۴۹۴.

۶۸. سنن أبی داود، ج ۲، ص ۶۸.

۶۹. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۶.

۷۰. همان، ج ۴، ص ۱۰۰.

۷۱. همان، ج ۶، ص ۳۸.

و وصل می‌کند. در این طایفه تنها دو روایت وجود دارد.<sup>۶۱</sup>

از آنجا که اصحاب از عمل به طایفه دوم و سوم اعراض کرده‌اند، از درجه اعتبار ساقط می‌شوند و عمل به طایفه اول که فصل را لازم می‌داند، متعین می‌شود. با این توضیح بطلان قول به تفصیل نیز معلوم می‌شود؛ چرا که این قول مبتنی بر جواز وصل بود؛ بنابراین در فقه امامیه استحباب قنوت همه نمازها از جمله قنوت نماز شفع اقوی به نظر می‌رسد.

### دیدگاه اهل سنت

بر خلاف دیدگاه فقهای امامیه که قنوت را در همه نمازها به جز موارد نادری مشروع و مستحب می‌دانند، در فقه اهل سنت فی الجمله فقط در سه مورد قنوت مشروع دانسته شده است: ۱. هنگام نزول بلا؛ ۲. نماز وتر؛ ۳. نماز صبح. در خصوص مشروعیت این سه قنوت نیز اختلاف نظر و تفصیلاتی وجود دارد که در سه بخش جداگانه به بررسی آنها می‌پردازیم:

#### ۱) قنوت نوازل

چنان‌که بیان شد یکی از قنوت‌هایی که نزد اهل سنت مشروع است قنوت به هنگام بلایا است که آن را قنوت نوازل یا حاجت می‌نامند؛ از جمله این بلایا می‌توان به جنگ، زلزله، سیل و خشکسالی اشاره کرد. جمهور فقهای اهل سنت قنوت نوازل را مشروع می‌دانند،<sup>۶۲</sup> به جز مالک که آن را مشروع نمی‌داند<sup>۶۳</sup>

هرچند برخی از علمای مالکیه قائل به مشروعیت آن هستند.<sup>۶۴</sup> اختلاف دیگری که در خصوص قنوت نوازل وجود دارد این است که آیا این قنوت فقط در نماز صبح مشروعیت دارد یا در نمازهای دیگر نیز می‌توان آن را انجام داد؟ حنفیها معتقدند قنوت نوازل فقط در نمازهای جهری خوانده می‌شود و در قول دیگری تنها

۶۱. همان‌جا.

۶۲. المغنی، ج ۲، ص ۵۸۶.

۶۳. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۸۹.

۶۴. العارضة الأحوذی، ج ۲، ص ۱۹۲.



مدت یک ماه در نماز صبح بر آنها نفرین می‌کرد.<sup>۷۲</sup> کسانی که تنها در نماز صبح قائل به ثبوت قنوت نوازل شده‌اند در سند روایت ابن عباس به دلیل وجود هلال بن خباب اشکال می‌کنند و روایات مطلق دیگر را به وسیله روایات ثبوت قنوت نوازل در نماز صبح تقیید می‌زنند.<sup>۷۳</sup>

در پاسخ به این استدلال می‌توان گفت:

اولاً: روایت ابن عباس که با صراحت بر ثبوت قنوت نوازل در همه نمازها دلالت دارد از جهت سندی مشکلی ندارد و وثاقت هلال بن خباب توسط احمد و ابن معین تأیید شده است<sup>۷۴</sup> و بنابراین نوبت به تقیید روایات مطلق نمی‌رسد.

ثانیاً: بر فرض اثبات ضعف روایت ابن عباس باز هم نمی‌توان از اطلاق روایاتی که دلالت بر ثبوت قنوت نوازل در همه نمازها دارند دست کشید؛ چون روایاتی که قنوت نوازل را در نماز صبح اثبات می‌کنند دلالتی بر نفی قنوت در دیگر نمازها ندارد؛ لذا حمل مطلق بر مقید در این مورد صحیح نیست. شاهد دیگری که بر صحت این مطلب وجود دارد این است که در برخی از نقلها، روایت انس که در آن فقط از نماز صبح سخن گفته شده بود، در پاسخ به این سؤال بیان شده که آیا پیامبر(ص) در نماز صبح قنوت می‌خواندند؟<sup>۷۵</sup> بنابراین بیان نماز صبح به دلیل سؤال سائل بوده و موضوعیتی نداشته و لذا این روایت نمی‌تواند قنوت نوازل در دیگر نمازها را نفی کند.

## ۲) قنوت وتر

در اصطلاح فقهای اهل سنت وتر به نماز نافله‌ای اطلاق می‌شود که در شب و به صورت فرادا خوانده می‌شود.<sup>۷۶</sup> از دیدگاه ابوحنیفه قنوت وتر در تمامی ایام سال از جمله ماه رمضان واجب است، هر چند

شاگردان برجسته او یعنی ابویوسف و محمد شیبانی آن را مستحب می‌دانند.<sup>۷۷</sup> در مذهب حنبلی نیز همین نظریه اختیار شده است.<sup>۷۸</sup> شافعی تنها در نیمه دوم ماه رمضان قنوت وتر را مستحب می‌داند<sup>۷۹</sup> و اما در فقه مالکی این قنوت مشروعیت ندارد.<sup>۸۰</sup>

قائلین به استحباب قنوت وتر در تمام سال به برخی احادیث از جمله موارد زیر تمسک کرده‌اند:

۱. از حسن بن علی(ع) نقل شده که پیامبر اکرم(ص) دعایی به من تعلیم نمود که آن را در قنوت وتر می‌خوانم: «اللهم اهدنی فی من هدیت...»<sup>۸۱</sup>

۲. علی بن ابی طالب(ع) نقل کرده‌اند که رسول خدا(ص) در آخر وتر این دعا را می‌خواندند: «اللهم

إنی أعوذ برضاک...»<sup>۸۲</sup>

۳. ابن عباس روایت کرده که پیامبر(ص) در نافله شب این دعا را خواندند: «اللهم لک الحمد...»<sup>۸۳</sup>

همه این احادیث از حیث زمانی اطلاق دارند و تمام ایام سال را شامل می‌شوند. برخی در سند و دلالت این احادیث اشکال کرده‌اند. برای مثال ابن عبدالبر سند حدیث اول را ضعیف می‌داند، در حالی که این حدیث را جمع زیادی از علما صحیح می‌دانند<sup>۸۴</sup> و لذا اشکال سندی به این احادیث وارد نیست. برخی نیز به روایت ابن عباس این اشکال را وارد کرده‌اند که دعای مذکور به عنوان قنوت نبوده بلکه در اول نماز به عنوان دعای مستحب خوانده شده است،<sup>۸۵</sup> در حالی که در این روایت قرینه‌ای بر این مدعا وجود ندارد و اگر در روایات دیگر چنین قرینه‌ای باشد مقید اطلاق این روایت نیست.

۷۷. همان، ج ۱، ص ۴۲۳.

۷۸. الإیضاف، ج ۴، ص ۱۲۴.

۷۹. الأذکار، ص ۵۹.

۸۰. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۸۹.

۸۱. المجتبی من السنن، ج ۳، ص ۲۴۸.

۸۲. سنن أبی داود، ج ۲، ص ۶۴.

۸۳. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۳۲.

۸۴. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۲۸؛ الأذکار، ص ۶۰.

۸۵. فتح الباری، ج ۳، ص ۴.

۷۲. همان، ج ۵، ص ۱۰۵.

۷۳. رک: إرشاد الفحول، ج ۲، ص ۷۱۱.

۷۴. نیل الأوطار، ج ۳، ص ۴۰۶.

۷۵. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۶.

۷۶. فتح القدیر، ج ۱، ص ۴۲۵.



دلیل ابوحنیفه بر وجوب قنوت این است در بخشی از روایت حسن بن علی (ع) آمده: «اجعل هذا فی وترک» که صیغه امر دلالت بر وجوب دارد، در حالی که چنین عبارتی در نسخ معتبر وجود ندارد<sup>۸۶</sup> و بنابراین نظر ابوحنیفه قابل قبول نیست.

اما کسانی که قائل به استحباب قنوت وتر در نیمه دوم ماه رمضان شده‌اند به احادیثی از پیامبر (ص) و صحابه استناد کرده‌اند که ایشان در نیمه دوم این ماه در نماز وتر قنوت به جا می‌آوردند.<sup>۸۷</sup> این استدلال نیز درست نیست، چون: اولاً: سند این روایت ضعیف است.<sup>۸۸</sup> ثانیاً: بر فرض اعتبار سند، اثبات قنوت در زمانی خاص نافی ثبوت قنوت در زمانهای دیگر نیست. ثالثاً: در روایات دیگری از پیامبر (ص) و صحابه نقل شده که در سایر ایام ماه رمضان نیز قنوت می‌خواندند.<sup>۸۹</sup> با این توضیحات روشن گردید که قول به استحباب قنوت وتر در همه ایام سال قوی تر است.

### ۳) قنوت فجر

در خصوص قنوت نماز صبح دو نظر وجود دارد: اکثر صحابه و تابعین و علما و مذاهب مالکی و شافعی قائل به استحباب قنوت در نماز صبح هستند<sup>۹۰</sup> و اما احناف و حنابله<sup>۹۱</sup> آن را مشروع نمی‌دانند. قائلین به استحباب قنوت نماز صبح به چندین روایت از جمله روایات زیر تمسک می‌کنند:

۱. انس از پیامبر گرامی (ص) نقل می‌کند که ایشان تا زمان رحلت همیشه در نماز صبح قنوت می‌خواندند.<sup>۹۲</sup> به گفته نووی سند این روایت معتبر است و بسیاری از حفاظ آن را صحیح می‌دانند.<sup>۹۳</sup>

۲. براء از نبی مکرم نقل کرده که ایشان در نماز صبح و مغرب قنوت می‌خواندند.<sup>۹۴</sup>

۳. از عوام بن ابی حمزه نقل شده که قنوت صبح را به خلفای سه‌گانه نسبت می‌داد.<sup>۹۵</sup>

برخی در دلالت این احادیث مناقشه کرده‌اند، به این صورت که قنوت در این روایات را به معنای «طول قیام» دانسته‌اند و یا اینکه این روایات را حمل بر قنوت نوازل کرده‌اند.<sup>۹۶</sup>

در پاسخ با این استدلال می‌توان گفت: اولاً: قنوت در روایات باب نماز، ظهور در معنای اصطلاحی آن که دعایی مخصوص است، دارد و برای حمل آن بر دیگر معانی نیاز به قرینه است که در اینجا وجود ندارد. ثانیاً: اگر در این روایات معنای قنوت طول قیام باشد باید در روایات قنوت وتر و یا نوازل نیز قنوت را بر این معنا حمل کنید، در حالی که شما بدون هیچ دلیلی بین این قنوتها فرق قائل شده‌اید. ثالثاً: این روایات مطلق است و دلالتی بر قنوت نوازل در آن دیده نمی‌شود؛ لذا حمل آن بر قنوت نوازل بی‌دلیل است.

در مقابل، منکرین قنوت نماز صبح نیز روایاتی را به‌عنوان مستند نظریه خود مطرح کرده‌اند، از جمله:

۱. ابن مسعود نقل کرده که رسول خدا (ص) در هیچ‌یک از نمازها قنوت نمی‌خواندند.<sup>۹۷</sup> ۲. سعد بن طارق از پدرش پرسید آیا پیامبر (ص) و خلفای ایشان در نماز صبح قنوت می‌خواندند؟ او جواب داد که این عمل بدعتی نوظهور است.<sup>۹۸</sup> ۳. از ابوهریره نقل شده که پیامبر (ص) به مدت یک ماه بعد از رکوع برای برخی دعا می‌کردند، اما پس از آن این عمل را ترک کردند.<sup>۹۹</sup> حق این است که هیچ‌یک از این روایات نمی‌تواند ادعای مذکور را ثابت کند. در نقد حدیث ابن مسعود

۹۴. سنن أبی داود، ج ۲، ص ۶۷.  
 ۹۵. السنن الکبری، ج ۲، ص ۲۸۸.  
 ۹۶. فتح القدیر، ج ۱، ص ۴۳۲.  
 ۹۷. السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۰۱.  
 ۹۸. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۲.  
 ۹۹. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۳۸.

۸۶. نصب الرایة، ج ۲، ص ۱۲۵.  
 ۸۷. السنن الکبری، ج ۲، ص ۷۱۰.  
 ۸۸. همان، ج ۲، ص ۷۰۲.  
 ۸۹. الشرح الکبیر، ج ۴، ص ۱۲۵.  
 ۹۰. فتح القدیر، ج ۱، ص ۴۳۳؛ الاعتبار، ص ۸۵.  
 ۹۱. الإنصاف، ج ۴، ص ۱۳۳.  
 ۹۲. السنن الکبری، ج ۲، ص ۲۸۷.  
 ۹۳. المجموع، ج ۳، ص ۵۰۴.



می‌توان گفت: اولاً: سند این روایت ضعیف است؛ چرا که این در سند آن محمد بن جابر سحمی وجود دارد که به شدت تضعیف شده است.<sup>۱۰۰</sup> ثانیاً: حدیث ابن مسعود به صورت نفی بیان شده، در حالی که حدیث انس که مثبت قنوت صبح است، ایجابی است و به دلیل برتری علمی انس نسبت به ابن مسعود، نقل انس مقدم است.<sup>۱۰۱</sup>

حدیث طارق صحیح‌ترین حدیث مورد استدلال منکرین قنوت صبح است و با احادیث اثبات‌کننده قنوت صبح تعارض پیدا می‌کند و از آنجا که مثبتین قنوت از نظر علم برتر و از نظر تعداد نیز بیشتر هستند، لذا قول مثبتین مقدم است.<sup>۱۰۲</sup> در مورد حدیث ابوهریره نیز مراد از ترک قنوت، ترک دعا نسبت به آن اشخاص است نه ترک قنوت به طور کلی بهترین دلیل بر این مطلب این است که در حدیث صحیح از ابوهریره نقل شده که پیامبر(ص) تا آخر عمر قنوت نماز صبح را ترک نکردند.<sup>۱۰۳</sup> در نتیجه ادله قائلین به ثبوت قنوت نماز صبح محکم و غیر قابل خدشه است.

### نتیجه‌گیری

در فقه شیعه در مورد استحباب قنوت نماز شفع بین فقها اختلاف وجود دارد. مشهور فقها قائل به استحباب آن و عده‌ای قائل به عدم استحباب آن هستند. قول سومی هم در این زمینه وجود دارد که بین حالت وصل و فصل نماز شفع و وتر تفصیل می‌دهد؛ به این بیان که اگر نماز وتر به نماز شفع متصل شود، در این صورت فقط در رکعت سوم قنوت مشروع است، اما اگر نماز شفع و وتر جدا از هم ادا شوند، در نماز شفع نیز قنوت مستحب خواهد بود. پس از بررسی روایات باب قنوت و ادله سه قول مذکور نتایج زیر

به دست آمد:

۱. در رکعت دوم نماز شفع باید سلام داده شود و نماز وتر به صورت منفصل از شفع ادا شود و اتصال آنها جایز نیست؛ به همین خاطر قول به تفصیل نمی‌تواند صحیح باشد.

۲. قول به استحباب که مطابق با نظر مشهور است، اقوی به نظر می‌رسد؛ چون عمومات روایات، دلالت بر استحباب قنوت در همه نمازهای واجب و مستحب می‌کنند و روایت عبدالله بن سنان نیز نمی‌تواند مخصص آن باشد؛ چرا که اولاً: معرض عنه اصحاب است و از درجه اعتبار ساقط است و ثانیاً: بر فرض اعتبار آن، ظهوری در نفی استحباب قنوت نماز شفع ندارد.

۳. روایت رجاء بن اُبی‌ضحاک نمی‌تواند دلیل بر استحباب قنوت نماز شفع باشد؛ چون از جهت سندی دچار ضعف است و تنها کارکرد آن تأیید ادله دیگر است.

در فقه اهل سنت نیز که فی الجمله در سه جایگاه قنوت را مشروع می‌دانند با بررسی و تحلیل ادله ایشان این نتیجه به دست آمد که محدود کردن مشروعیت قنوت نوازل، وتر و صبح به مواردی خاص دلیل معتبری ندارد و می‌توان به طور مطلق به استحباب قنوت در سه مورد مذکور حکم کرد.

### کتابنامه

- «اعراض مشهور از خبر صحیح»، محمدرسول آهنگران، نشریه مجتمعه آموزش عالی قم، شماره ۱۴، ۱۳۸۱ش.

- إرشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول، محمد بن علی شوکانی، ریاض، دارالفضیله، ۱۴۲۱ق.  
- الأذکار، یحیی بن شرف نووی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

- الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن

۱۰۰. المجموع، ج ۳، ص ۵۰۵.

۱۰۱. همان جا.

۱۰۲. همان جا.

۱۰۳. السنن الکبری، ج ۲، ص ۲۸۷.

- طوسي، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٩٠ق.
- الإعتبار في النسخ و المنسوخ من الآثار، محمد بن موسى حازمي، حيدرآباد، دائرة المعارف العثمانية، ١٣٥٩ق.
- المدونة الكبرى، مالك بن أنس، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- المطول، مسعود بن عمر تفتازاني، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٣٤ق.
- الأم، محمد بن ادريس شافعي، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
- المعتبر في شرح المختصر، جعفر بن حسن حلي، قم، مؤسسة سيد الشهداء، ١٤٠٧ق.
- الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، علي بن سليمان مرداوي، قاهره، هجر، ١٤١٥ق.
- المغنى، عبدالله بن احمد ابن قدامه، رياض، دار عالم الكتب، ١٤١٧ق.
- التفریح، ابن جلاب مالكي، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٧م.
- المواعظ و الاعتبار، احمد بن علي مقریزی، قاهره، مكتبة مدبولی، ١٩٩٨م.
- التفتيح في شرح العروة، سيد ابوالقاسم خويي، قم، بی نا، ١٤١٨ق.
- بهجة الفقيه، محمد تقی بهجت فومنی، قم، انتشارات شفق، ١٤٢٤ق.
- تذكرة الفقهاء، حسن بن يوسف بن مطهر حلي، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٤ق.
- الحاشية على مدارك الأحكام، محمدباقر بن محمد بهباني، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٩ق.
- تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، قم، دارالكتاب، ١٤٠٤ق.
- الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، يوسف بن احمد بحراني، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٥ق.
- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسي، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش.
- الخصال، محمد بن علي بن بابويه، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٦٢ش.
- جامع المقاصد في شرح القواعد، علي بن حسين (محقق كركي)، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٤ق.
- السرائر، ابن ادريس حلي، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٠ق.
- جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، محمدحسن نجفي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.
- السنن الكبرى، احمد بن الحسين بيهقي، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٢ق.
- ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، محمد باقر سبزواري، قم، مؤسسة آل البيت، ١٢٤٧ق.
- الشرح الكبير، عبدالرحمن بن محمد مقدسي، قاهره، هجر، ١٤١٥ق.
- (شهيد اول)، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٩ق.
- رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٦٥ش.
- رد المحتار على الدر المختار، محمدامين بن عمر ابن عابدين، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده، ١٣٧٦ق.
- العارضة الأحوذی، ابن عربي مالكي، بيروت، دارالكتب العلمية، بی تا.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
- المجتبى من السنن، احمد بن شعيب نسائي، حلب، مكتب المطبوعات الاسلامية، ١٤٠٦ق.
- زكري الشبيعة في أحكام الشريعة، محمد بن مكى (شهيد ثاني)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٢ق.
- المجموع، يحيى بن شرف نووي، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- سنن أبي داود، سليمان بن أشعث، بيروت، المكتبة



- العصرية، ۱۴۳۵ق.
- بی نا، بی تا.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسیٰ ترمذی، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۹۶ق.
- مفتاح الكرامة، سيد جواد عاملی، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۹ق.
- صحيح البخاری، محمد بن اسماعيل بخاری، قاهره، المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۴۲۲ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ق.
- عيون أخبار الرضا، محمد بن علي بن بابويه، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- فتح الباری شرح صحيح بخاری، احمد بن علي بن حجر، بيروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
- منتهی المطلب، حسن بن يوسف بن مطهر حلی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- فتح التقدیر علی الهدایة، محمد بن عبدالواحد ابن همام، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۸۹ق.
- منهاج الصالحين، سيد محسن حكيم، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
- لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور، بيروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- مؤسسه كاشف الغطاء، بی تا.
- مدارك الأحكام، محمد بن علي موسوی عاملی، بيروت، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۱ق.
- نصب الراية، عبدالله بن يوسف زيلعي، بيروت، مؤسسة الريان، ۱۴۱۸ق.
- مدارك العروة، علي بناه اشتهاودي، تهران، دارالأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
- نيل الأوطار، محمد بن علي شوکانی، ریاض، دار ابن القيم، ۱۴۲۶ق.
- معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم خویی، بی جا،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

